

نگاهی به وضعیت زنان در جهان و ایران

از: فریده ثابتی

معلوم نیست اولین حرکت اعتراضی را کدام زن و در چه زمانی بر علیه شرایط نامساعد زندگی خود انجام داد، اما بی‌گمان سابقه آن به آغاز عصر تمدن باز می‌گردد. آنگاه که حق پدیری برقرار شد و زن به‌عنوان موجود ضعیف‌تر به‌صورت دستیار و زائده مرد در آمد و تحت انقیاد وی قرار گرفت. زمانی که اولین تقسیم کار بین زن و مرد بر مبنای تولید مثل شکل گرفت و براساس آن زن متاع جنسی و ابزار بازتولید نوع انسان شد.

اما تاریخ مکتوب مبارزات زنان برای کسب حقوق انسانی و اجتماعی به سال ۱۶۴۷ بازمی‌گردد که کنیزان برای اولین بار از پارلمان انگلیس تقاضا کردند هر پانزده روز یک‌بار سه‌شنبه‌ها مرخصی و آزادی داشته باشند. البته قبل از این در قرون ۱۲ و ۱۳ نیز زنان در متن جنبش زندیقان، خواهان خودمختاری عشق و خودمختاری زن علیه خشونت و قدرت مردان شدند که این جنبش توسط اشراف فنوئال سرکوب گردید.

سال ۱۸۳۱ در امریکا شورش بزرگ بردگان برای آزادی آغاز شد و در آن زن و مرد برده با هم شرکت داشتند. اما جنبش زنان به‌عنوان یک حرکت متشکل در سال ۱۸۴۸ در امریکا شکل گرفت. درست در همین زمان در زندان سنت لازار پاریس، زنانی به خاطر شرکت و فعالیت در انقلاب فرانسه به‌عنوان زندانی سیاسی در بند بودند.

دهه پنجاه قرن ۱۹، دهه انقلابات اروپا، زنان را همگام با مردان به میدان مبارزه کشاند. در سال ۱۸۴۳ فلورا تریستان، اجلاس بین‌المللی کارگران زن و مرد را لازم دانست و خواهان دادن آگاهی‌های فوری و اخلاقی، فکری و تکنیکی به زنان برای درک مفهوم برابری حقوق بین زن و مرد به‌عنوان ابزار موجود برای ایجاد وحدت انسانی شد.

در حقیقت با رشد جامعه صنعتی، جایگاه زنان به‌تدریج دگرگون شد زیرا امر تولید دیگر چون گذشته به قدرت فیزیکی نیاز چندانی نداشت و شرایط سهل‌تر زنان برای کار آن‌ها را از چهاردیواری خانه بیرون آورد و روانه بازار کار نمود. گرچه زنان تنها با قرار گرفتن در این مکان، یعنی به‌عنوان کارگر توانستند مبارزات سازمان‌یافته‌ای را برای برابری حقوق زن و مرد انجام دهند، اما همین امر موجب استثمار دوگانه‌ای برای آن‌ها شد. استثمار در متن طبقه کارگر توسط سرمایه‌داران و استثمار به‌عنوان

زن خانه دار، مادر و خدمتکار مجانی خانه.

در سال ۱۸۴۴ اندیشه‌های انقلابی مارکس طی مقالاتی به جهان ارائه شد و در آن‌ها موقعیت زن تشریح گردید و چگونگی دست یابی به یک آزادی واقعی بیان شد. در سال ۱۸۷۱ در کمون پاریس، کمونارهای زن و مرد در کنار هم جنگیدند تا از اولین حکومت کارگری جهان دفاع کنند و در یک خط، در کنار دیوار کمونارها به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند.

مبارزات کارگران زن در امریکا همراه مردان برای تاسیس اولین اتحادیه‌های ملی کارگری نقش مهمی داشت و بعدها، این اتحادیه به بین‌الملل اول پیوست. در سال ۱۹۱۰ کلارا زتکین برای اعلام همبستگی با مبارزات زنان کارگر پیراهن دوز امریکا که سال قبل یک قیام بیست هزار نفره را سازمان داده بودند به کنفرانس بین‌الملل دوم پیشنهاد داد تا یک روز به‌عنوان «روز جهانی زن» اعلام شود. متعاقب آن در ۸ مارس ۱۹۱۱ اولین روز جهانی زن (IWD) جشن گرفته شد. در همین سال در آلمان ده‌ها هزار زن در تظاهرات شرکت کردند و خواهان حق رای شدند. سپس فعالانه در جنبش ضدجنگ شرکت کردند.

از دهه ۱۹۷۰، جنبش زنان در چند جهت به کار خود ادامه داد. در کشورهای عقب‌مانده صنعتی و تحت سلطه امپریالیسم با جنبش ضدامپریالیستی و رهائی‌بخش گره خورد و در نتیجه مطالبات خاص زنان در آن‌ها مطرح نگردید و به بعد از رهایی موقوف شد.

در امریکا و اروپا، یعنی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، جنبش زنان از درون جنبش چپ بیرون آمد. این بار تبعیض جنسی و کشاکش داخلی بین زن و مرد، به مثابه امری سیاسی و مربوط به شوینیسم مردان عنوان و از مبارزه ضدسرمایه‌داری کنار گذاشته و در عوض به مبارزات زنان با مردان میدان داده شد، چیزی که بسیار خوشایند سرمایه‌داری بود.

زن علاوه بر استثمار به‌عنوان کارگر و خانه دار، در مبادله تجاری سکس قرار گرفت و جسم او هم به‌عنوان کالا و هم تحقق بخش ارزش اضافی با تبلیغ کالاهای دیگر مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس آمار ارائه شده توسط کنفرانس «تجارت انسان» در وین امروزه ۵۰۰ هزار زن در اروپای غربی به برده جنسی تبدیل شده‌اند. این زنان اغلب از اروپای شرقی و کشورهای عقب‌مانده صنعتی به‌عنوان پناهنده با پاسپورت‌های تقلبی توسط باندهای بین‌المللی تجارت زنان به اروپا آورده می‌شوند و به‌خاطر سکس مورد معامله قرار می‌گیرند و به فحشا کشانده می‌شوند. در آلمان ۷۵٪، در میلان ۸۰٪ و در وین ۸۰٪ روسپیان و رقاصان را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند. در گزارشی از یونیسف آمده است که ۸۰٪ این زنان به ویروس ایدز آلوده شده‌اند. هر سال دو میلیون دختر ۵-۱۵ ساله وارد بازار سکس می‌شوند، یعنی کودکان نیز از این تجارت در امان نیستند. ۳۰۰ هزار زن از نیپال به هند فرستاده و فروخته شده‌اند. در امریکا هر سال ۷۰۰ هزار زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد. هر ۱۲ ثانیه یک زن کتک می‌خورد و هر روز ۴ زن زیر کتک مردان در آنجا می‌میرند.

زنان حتی در کشورهای پیشرفته، مزد کمتری از مردان دریافت می‌کنند. به مشاغل کم‌مزد و نامطمئن اشتغال دارند. نزدیک به نیمی از زنان با وجود جستجوی زیاد هیچ‌گاه شغلی نمی‌یابند. در گزارش سال ۷۹ سازمان ملل چنین آمده که ۷۵٪ کل کار جهان توسط زنان انجام می‌گیرد اما تنها ۱۰٪ در آمد کل جهان به آنها تعلق دارد. از دارائی‌های جهان تنها یک درصد در اختیار زنان است. ۷۵٪ کل فقرای جهان و ۶۵٪ کل بیسوادان جهان را تشکیل می‌دهند.

در ایران تنها ۸٪ زنان دارای شغل هستند یعنی کمتر از ۱۵٪ نیروی شاغل را تشکیل می‌دهند.

کار اقتصادی آن‌ها در کارگاه‌های خانگی به حساب نمی‌آید. با آن‌که کار اصلی کشاورزی در مراکز سنتی کشاورزی از کاشت و داشت و برداشت و خدمات جنبی آن با همکاری بالای زنان انجام می‌شود آن‌ها به‌عنوان «زن خانه دار» بار اقتصادی محسوب می‌شوند. با چیرگی فرهنگ مردسالار، در اجتماع و در خانه دارای نقش درجه دو هستند. در بسیاری از نقاط محروم ایران فرزندان درجه دو محسوب می‌شوند. به‌خاطر وضعیت بد اقتصادی در وهله اول آن‌ها از تحصیل محروم می‌شوند و برای کم‌کردن بار مالی خانواده، در کودکی به شوهر داده می‌شوند یا در ازای پرداخت قرض یا دریافت پول به پیرمردان فروخته می‌شوند. بخشی از ناآگاه‌ترین قشر زنان توسط رژیم مورد سوء استفاده سیاسی قرار می‌گیرند و از آن‌ها برای سرکوب حرکت زنان استفاده می‌شود. تظاهرات به حمایت از حجاب اسلامی و حمله به زنان غیرچادری، و تظاهرات بر علیه کار بیرون از خانه توسط زنان از جمله این سوء استفاده‌هاست.

اما با وجود همه نابرابری‌ها و تبعیض‌ها، با وجود فشارها و سختی‌ها در هر جای این نظام، مبارزه زنان نه رو به افول که در حال گسترش است و هر لحظه عده بیشتری با آگاهی به وضعیت خود به صف مبارزه می‌پیوندند و آن‌را تقویت می‌کنند. اما مبارزه تنها با شوینیسیم مردان موجب رهایی نخواهد شد چرا که دائماً در جامعه سرمایه‌داری حتی توسط خود زنان بازتولید می‌شود. امروزه مبارزه برای حقوق زنان و مبارزه با سرمایه‌داری باید با هم پیش برود. نه آن‌گونه که یکی در دیگری محو گردد و نه آن‌گونه که به تعارض در مقابل هم قرار گیرند. زنان باید به‌خاطر بسپارند که با وجود سرمایه‌داری آزادی راستین کسب نخواهد شد. و مردان نیز باید بیاد بیاورند که نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند. تا زنگار رویای حاکمیت مطلق مردان نیز فرو ریزد. اهداف جنبش زنان تنها از طریق تغییرات رادیکال و دگرگونی کل سیستم اجتماعی میسر خواهد بود. برقراری جامعه‌ای مادرسالار به‌جای پدرسالار و تفویض نقش زن و مرد با هم چاره کار نیست. باید برداشت جدیدی در مردان و زنان ایجاد کرد. زنان و مردان جدیدی به وجود آورد و مفهوم استثمار و سلطه را ریشه‌کن ساخت. در آن صورت زن نه به‌عنوان همسر، مادر، زن خانه‌دار یا

معشوقه بلکه به‌عنوان انسانی متشخص و مستقل در نظر گرفته می‌شود. پس فمینیسم به یک تجدید نظر اساسی نیاز دارد تا به شورشی علیه سرمایه‌داری و مردسالاری تبدیل شود و علاوه بر مبارزه برای برابری اقتصادی و فرهنگی که بخش عمده آن در این نظام هم قابل دستیابی است، همگام با طبقه کارگر برای برقراری سوسیالیسم مبارزه کند. پس با عزمی راسخ به گرامی‌داشت روز زن برخیزیم!

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!

Dialog

Postamt 1 / Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

Email: dialogt@web.de

Internet: <http://www.dialogt.net>